

رایم بزرگ



این بخش نیاز به آموزش ارکان نظامی و قضایی دارد که این بحثی جداگانه است. در عین حال باید اذعان کرد افزایش نیروهای نظارتی و اجرای قوانین با شدت و تحکم بیشتر می‌تواند در کنترل جرایم موثر باشد. البته باید توجه داشت در مواردی فرد به دلیل فشارهای اقتصادی تن به رفتارهای پرخطری می‌دهد و امنیت خود را به خطر می‌اندازد و دچار چالش می‌شود اما هدف تامین حداقل‌های یک زندگی است. در عین حال باید توجه داشت در وضعیت نامناسب اقتصادی که افراد از هر فرصتی می‌توانند برای پر کردن گوشه‌ای از سفره خود استفاده کنند، گستره نظارت‌ها و سیستم نظارتی و امنیتی، نمی‌تواند گره‌ای از مشکل باز کند که در نهایت به کاهش آمارها و ایجاد امنیت منجر شود. به عنوان مثال می‌توان به پرونده سرقت و جمع‌آوری گاردیل‌های جاده‌ای اشاره کرد. در چنین موقعیتی یا مواردی مشابه، آیا می‌توان با بهره‌گیری و نصب دوربین‌های مختلف در سطح جاده و بیابان یا حضور تمام مدت نیروهای انتظامی و پلیس، مانع سرقت در این نواحی شد؟ قطعاً خیر. به این معنا که نمی‌توان تمام نقاط شهرها را که احتمال وقوع جرم می‌رود که هر روز گستره آن نیز بالا می‌رود، زیر نظر قرار داد و نظارت دائمی بر آن داشت. این شیوه، برخورد با معلول است، در حالی که باید علت را که بیشتر مشخص شده، درمان و اصلاح کرد. اصلاح وضعیت اقتصادی و بهبود معاش خانواده‌ها از طریق ایجاد اشتغال، می‌تواند بخشی از مشکلات خانواده‌ها و در نهایت اجتماع را حل کند. در چنین شرایط و موقعیتی، افراد علاوه بر شغل، امنیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی خواهند داشت و چنین شرایطی دیگر به آنها اجازه و فرصت دست زدن به اعمال مجرمانه را نخواهد داد.»

مواد مخدر با بخشی از تمایل ر بیکاری جوانان وارد می‌تواند فرد ان مثال فردی که ست، برای تامین معیشت نمی‌کند. یا خود یا خانواده وضعیت می‌تواند به سوق دهد. در ز مال اندوزی یا سابه آن، به تامین پیدا می‌کند. این گی‌های کمتری نمی‌توان واده و شیوه‌های زای‌شان رانادیده ناداتی نسبت به وارد می‌شود که گیرد یا شدت و شان آن اندازه که خط انداختن‌ها با از جمله جرایمی هه واکنش نشان ی اجتماعی هم جتماعی شکل و ست تازه‌ای به آمار یز نیازمند هوش ید الکترونیک و لیل است. قطعاً

جامعه و سیستم اقتصادی مقصر است

طبق گفته پلیس ۵۰ درصد کسانی که در شش ماه گذشته دستگیر شده‌اند، بار اولی بوده‌اند و این وضعیت، یک فاجعه است و گویای دلایل تلخ بسیار است. بار اولی‌هایی که مهر مجرم بر پیشانی‌شان زده می‌شود، علاوه بر از بین رفتن فرصت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی خودشان، خانواده خود را در نیز شرایطی پر خطر قرار می‌دهند.

دکتر
مصطفی اقلیما
رئیس انجمن
علمی مددکاری
اجتماعی ایران

نگاهی دقیق به جامعه ما را با مولفه‌های بیکاری، نبود امنیت اجتماعی و شغلی، تورم سرسام‌آور مواجه می‌کند. یعنی تعدادی از آن ۵۰ درصد بار اولی، به دلیل مشکلات اقتصادی بسیار ونداری، دست به ارتکاب جرم زده‌اند. در این وضعیت باید بگوییم جامعه و سیستم اقتصادی و نظام فرهنگی مقصر است. پرواضح است مسائل اجتماعی مانند زنجیری به هم پیوسته‌اند، به این معنا فردی که به اعتیاد روی می‌آورد، می‌تواند دزدی هم بکند یا جرایمی با خشونت بالاتر را مرتکب شود. به دلیل آن که جرایم به یکدیگر قابل تبدیل هستند.

حالا به اصلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین نهاد جامعه یعنی خانواده بازمی‌گردیم. در شرایطی که تشکیل خانواده به امیدوام شکل بگیرد، می‌توان انتظار ناپایداری‌هایی را در آن داشت. وظیفه دولت ایجاد و تولید شغل است. وظیفه‌ای که دولت‌ها از عهده آن برنیامده‌اند.

این در حالی است که فرد، در شرایطی که از نظر شغلی در جایگاه مطمئنی ایستاده و از موقعیت اجتماعی نیز بهره‌مند باشد، به صورت طبیعی ازدواج می‌کند و تشکیل خانواده می‌دهد. در غیر این صورت، مشکلات اقتصادی به سادگی به خانواده کشیده می‌شود و مشکلات بزرگ‌تری را رقم می‌زند. نمونه آن پیدا شدن نوزاد در سطل زباله است که در تهران رخ داد. آیامی‌توان مادر آن نوزاد را مقصر دانست؟ خیر. جوانان حتی با تحصیلات بالا، از پیدا کردن شغل مناسب ناتوان هستند، به مشاغلی مانند دستفروشی در خیابان یا متروروی می‌آورند، در آنجا ماموران شهرداری موظف به برخورد با این دستفروشان هستند. رفتاری که همراه با تحقیر و از بین رفتن سرمایه کاری‌شان است. این فرد اکنون باید چه کاری انجام دهد؟ در این جامعه و با این وضعیت اقتصادی و فشارهای ناشی از آن، به نوعی همه‌مان در حال ارتکاب جرم هستیم و به نظر می‌رسد چاره‌ای نیز نداریم.

همان‌طور که در ابتدا اشاره شد، کاهش سن جرم و اقدام به اعمال مجرمانه، دارای سلسله عوامل ریشه‌ای است که در ایجاد آن موثر است. یکی از آن عوامل که می‌توان از آن به کلیدی‌ترین دلیل وقوع این مساله اجتماعی نام برد، موضوع اقتصاد و عوامل اقتصادی است. حل این مولفه در کوتاه مدت و با سرعت و ضرب و زور قابل حل نیست و نیازمند سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق است. برای حل و رفع این مشکل و معضل، مطمئن‌ترین کار و شیوه، ایجاد اشتغال است. شغلی که میزان درآمد حاصل از آن با هزینه‌های جاری همخوان باشد، در غیر این صورت، پرداخت وام‌های مختلف و یارانه و... هیچ تأثیر مثبتی در ارتقای کیفیت زندگی افراد که منجر به رضایت آنها شود، نخواهد داشت. چرا که یارانه، هزینه‌ای است که پیش از ماه از حساب خانوار در قالب افزایش قیمت کالاها و تورم برداشته شده است. در دولتی که اشتغال به صورت مستمر شکل بگیرد، امنیت اجتماعی و اقتصادی وجود خواهد داشت، ازدواج نیز در دور طبیعی خود انجام می‌شود و در این دایره و گردش، نرخ جرایم نیز کاهش پیدا می‌کند. اما در شرایط فعلی، حداقل ۸۰ درصد درآمد یک خانوار برای کرایه و اجاره خانه پرداخت می‌شود و برای سایر موضوعات اعم از نیازهای فرهنگی، تفریح، سفر سرمایه‌ای باقی نمی‌ماند. این ناتوانی در تامین هزینه‌ها، فشارهای اجتماعی که همراه آن وجود دارد و به قولی خجالت‌زدگی مرد خانواده و به تبع آن فرزندان در مقابل هم در خانواده در تامین معاش، از نظر روانی افراد را در شرایط حساسی قرار می‌دهد. در این جامعه و شرایط، نمی‌توان انتظار نزولی شدن جرم و جنایت و صعودی شدن آمار ازدواج و مولفه‌های مثبت را داشت. هر چند تغییرات اجتماعی چنان که در چند دهه شکل گرفته است، برای اصلاح و بهسازی به گذشت چند دهه زمان نیاز دارد.

